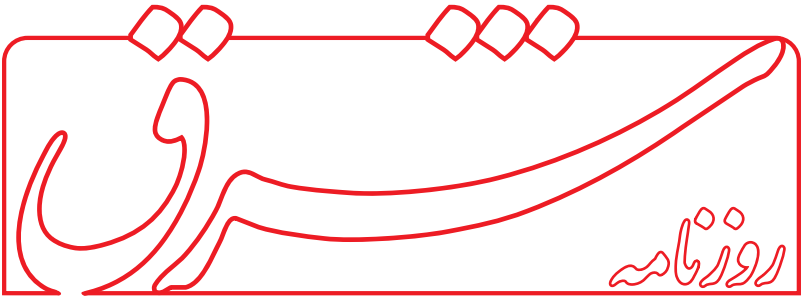




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند،کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۱۸۸۶۵۴۳۹۰ نامبر: ۰۲۱۹۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: ۲۳-۸۸۸۱۴۲۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰ چاپ: گل‌ریز
تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۴۹ اذان مغرب ۱۷:۳۷ اذان صبح فردا ۵:۵۵ طلوع آفتاب ۶:۱۹

شرق



چهارشنبه اول آبان ۱۳۹۲ ۱۷ ذی‌الحجه ۱۴۳۴ ۲۳ اکتبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۶۴ ۱۶ صفحه

یک حرف، یک نگاه

کیچی ۲۲ساله



بهاره رهنما

● برای چندمین بار به این نکته برخورددم که بازیگری چه کار عجیبی است. حالا بعد ۲۲سال کار که تمام مدت سعی کرده‌ام یاد بگیرم که چه‌طور به حسی برسم که کاملاً قابل باور باشد، دنبال راهی هستم که بتوانم از این حس دریابم و به زندگی معمولی برگردم. انگار همان حکایت تا بجایی رسی که بدانی همی که نادانی همین حکایت علم بازیگری است، دقیقاً جایی که داری تحسین می‌شوی و قبول و پذیرفته، تازه حس می‌کنی بدیهی‌ترین کار که همین بیرون رفتن از نقش و رفتن به زندگی عادی است را بلد نیستی، جالب اینجاست که می‌بینم این‌روزها همین حس را نسیم ادبی، بازیگر تحسین‌شده نمایش ایران هم همراه من داره، دو همین‌طور دو بازیگر دیگر نمایشی که این‌روزها بازی می‌کنم یعنی فروغ قجاییگی و سهیلا صالحی ما همگی در بازسازی جنایت و قتلی که انجام داده‌ایم هرسب روی صحنه می‌مریم و زنده می‌شویم، بازی کردن در نقش یک زن قاتل و تکرار هر شب این‌همه خشونت چیزی را هر شب در وجودم می‌کشد و نکته‌که می‌کند، چیزی که باید تا فردا قبل اجرا دوباره در قلم بسازمش تا دوباره باره‌پاراش کنم، گاهی حس می‌کنم قلمم مارمولکی است که هر شب خودم دمش را قطع می‌کنم و دوباره تا فردا خود را می‌سازد، تنگی نفس و بی‌خوابی حاصل این‌روزهای اجرای نمایش عابدانه عاشقانه و قاتلانه است، چیزی که هیچ تکنیک و کتاب و متد بازیگری‌ای نمی‌تواند به قلمم آموزش دهد، فقط می‌شود دعا کرد و به لطف خدا و نفس گرم تماشاگر تکیه کرد تا این روزهای قاتلانه بگذرد. اما انصافاً همه این رنج‌ها حسابی می‌آرد اگر بازتاب گوشه‌ای از رنج‌های زندگی زنان سرزمینم باشد و تلنگری برای تربیت بهتر مادران فرد.

در کنار رنج‌های ما هر شب «ساز بیا» کارگردان اثر و دستیارش پله‌پای مرده و زندمشان ما می‌میرند و متولد می‌شوند.

بی‌نوشت: از این هفته قول می‌دهم برایتان معرفی کتاب داشته باشم گفتم قولش را بدهم که حتماً دوباره شروعش کنم.

زایوه دید

شباهت‌های چوگان و نوروز!

کمیل روحانی

● رئیس فدراسیون چوگان در گفت‌وگو با یکی از سایت‌های خبری گفته که در دولت گذشته برای ثبت جهانی ورزش ایرانی چوگان، همراه با رایبه مستندات دوبار با رئیس وقت سازمان میراث فرهنگی دیدار داشته که این دیدارها تنها منجر به ثبت ملی چوگان شده است!

البته اینکه چوگان برای نخستین‌بار از سوی جمهوری آذربایجان برای ثبت جهانی و بعنوان میراث فرهنگی این کشور به یونسکو پیشنهاد شده خبر چندان تعجب‌برانگیزی نیست؛ که اگر ایران خود برای نخستین‌بار جهت ثبت این میراث کهن خود اقدام می‌ورزید جای تعجب داشت!

در سال ۸۴ خورشیدی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری پیشنهاد ثبت جهانی نوروز را به یونسکو ارایه داد اما جالب اینجاست که ایران نخستین کشوری نبود که این اقدام را انجام داد و ترکیه پیش از ایران تلاش‌ها برای ثبت جهانی نوروز را آن هم به نام خود آغاز کرده بود؛ آن هم ترکیه‌ای که همواره در داخل مرزهای خود مخالف برگزاری نوروز از سوی اقوام کرد بود.

در نهایت هم در مهر سال ۱۳۸۸ نوروز به نام هفت کشور که یکی از آنها ایران است به ثبت جهانی رسید در حالی که در پرونده ثبت جهانی یونسکو، هیچ نامی از تاریخچه پیدایش و خاستگاه اصلی نوروز که ایران باشد به میان نیامد. متن این پیشنهاد به وسیله نماینده آذربایجان مطرح شد و در ادامه این نشست، نماینده ایران شعری از مولوی درباره تولد دوباره زمین و انسان در نوروز خواند.

البته اینکه پیشنهاد روز جهانی نوروز به ابتکار ایران بود یا نبود آنقدر مهم نیست و از اهمیت اینکه هیچ نامی در ثبت جهانی نوروز از ایرانی‌بودن این جشن به میان نیامده، کم نمی‌کند. در مورد چوگان نیز احتمالاً همین مساله تکرار می‌شود، همان طور که دیروز نیز رسانه‌ها این موضوع را به اطلاع رساندند که این پرونده باید به صورت مشترک به ثبت برسد؛ ایران نیز به جمهوری آذربایجان می‌پیوندد و شاید کشورهای دیگری مانند ایران؛ ناگهان به خاطرشان نباید که چوگانی هم داشته‌اند و به این صف بپیوندند و در نهایت خوشنود باشیم و جشن بگیریم که چوگان را ثبت جهانی کرده‌ایم!

البته ریشه مشکل، نه‌تنها در فرد یا دوره خاصی از مسوولیت سازمان میراث فرهنگی است؛ بلکه به قول استاد شفیع‌الدکنی در عدم وجود حافظه تاریخی در ما ست. در واقع اهمیت و اولویت ما تاریخ و حفظ و معرفی جهانی میراث گذشتگانمن نیست. اولویت اصلی ما روزمرگی‌ها و دعوالهایی است که هرگز در درازمدت سودی برای فرد و گروهی نداشته است و بازنده اصلی این جریان تکراری؛ نام بزرگی است به نام ایران.

خاطرات «همایون شجریان» از «شهرموش‌ها»:

به «خوش خواب» حسادت می‌کردم

شرق: فیلم سینمایی «شهرموش‌ها» تنها یک فیلم نیست بلکه شکل‌دهنده خاطره جمعی برای یک نسل است. نسلی که بنابر شرایط اجتماعی و سیاسی سال‌های ابتدای دهه ۶۰ خاطرات جمعی اندکی دارد. بنابراین در میان طرفداران شهرموش‌ها از همه طیف‌های مختلف می‌توان پیدا کرد. از بازیگران سینما و تلویزیون تا خواننده و ورزشکاران معروف و البته تمامی کسانی‌که بخشی از کودکی خود را با سریال «مدرسه موش‌ها» و فیلم «شهرموش‌ها» زندگی کرده‌اند. درباره «شهرموش‌ها» با یکی از سرشناس‌ترین خواننده‌های نسلی گفت‌وگو کردیم که از این فیلم خاطرات شیرینی دارد. «همایون شجریان» با حضور در محل دفتر فیلم سینمایی «شهرموش‌ها» و وارد کردن اطلاعات در قسمت نام‌یوسی مرکز خبری شهرموش‌ها (موشنا) به عضویت افتخاری «شهرموش‌ها» درآمد این خواننده محبوب از این پس «موشوند» معروف شهرموش‌هاست.

همایون شجریان درباره خاطرات خود از «مدرسه موش‌ها» می‌گوید: «من هم مانند همه کسانی که در سال‌های ابتدای دهه ۶۰، سن کودکی و نوجوانی را پشت سر می‌گذاشتند از این فیلم خاطره‌های زیادی دارم. هرگاه صحبت از شهرموش‌ها می‌شود یاد آن دوران می‌افتم. وقتی عصرها ساعت پخش برنامه کودک می‌رسید من یک نگرانی جالب داشتم. پدرم عصرها بعد از رسیدگی به باغچه استراحت می‌کرد و چون کنترل صدای تلویزیون ما خراب بود و تلویزیون با صدای بلند روشن می‌شد برای همین همیشه استرس داشتم که همزمان با پخش «مدرسه موش‌ها» پدرم در حال استراحت باشد و من موفق به تماشای این سریال نشوم.»

شجریان در پاسخ به این سوال که کدام‌یک از شخصیت‌های عروسکی «شهرموش‌ها» را بیشتر دوست دارد می‌گوید: «همه شخصیت‌های این فیلم



مرگ مولف

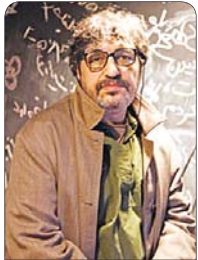
به یاد «فرانسوا تروفو»؛ فیلمساز موج نو سینمای فرانسه

یکی از آنها که...

هر گوشه از جهان را می‌شوند یا می‌خواند، به یاد «فرانزهایت ۴۵۱» نیتفد. فیلمی درباره کتاب‌سوزان، در جامعه‌ای که حاکمانش، از توسعه فرهنگ می‌هراسند و دستور می‌دهند همه کتاب‌های مهم و تأثیرگذار را بسوزانند، غافل از اینکه کتاب‌ها سوزانده می‌شوند اما از بین نمی‌روند. تروفو که درک عمیقی از دنیای کودکان و نوجوانان داشت، در آغاز کارش بیشتر روی همین موضوع متمرکز بود و سه فیلم ماندگار، چهارصد ضربه، کودک و جنشی و پول توجیبی او، هنوز هم می‌توانند مبنای بحث‌های روانشناختی در حوزه کودکان قرار گیرند. گفتیم که او بین همسلمان انقلابی‌اش معتدل‌تر از دیگران بود و نشان‌دهش هم اینکه در اوج قدرت و شهرت، به سراغ استاد پیر سینما، آلفرد هیچکاک رفت و طی گفت‌وگویی طولانی و عمیق با او کتابی فراهم آورد با عنوان «سینما به روایت هیچکاک» که هنوز هم بهترین سند در شناخت این اسطوره سینمای کلاسیک است. این کتاب، سال‌ها پیش توسط منتقد نامدار و غربت‌نشین سینما، پرویز دولبی - به فارسی برگردانده شده و در زمان خود تأثیر مهمی بر تحولات سینمای جهان ایجاد کرد و به یکی از نقاط ططف تاریخ سینما، تبدیل شد. در میان این‌معتراضان، تروفو هم رفتار متعادل‌تری داشت و هم آثار معقول‌تری خلق کرد و اغلب آثارش خیلی رود به فیلم‌های محبوب سینمادوستان جهان تبدیل شدند و برخی هم به مرور به صورت «کالت» درآمدند. از جمله «چهارصد ضربه»، «کودک وحشی»، «فرانزهایت ۴۵۱»، «ژول وژیوم». این فیلم‌ها بارها و بارها در آکادمی‌ها و مجامع فرهنگی و هنری، مورد ستایش قرار گرفته و از این‌ لحاظ مثال‌زدنی هستند. کمتر کسی است که وقتی خبری مبنی بر ممانعت از انتشار کتابی در

انتشار داستان‌های کوتاه «محمد صالح‌علا»

شرق: مجموعه داستان‌های کوتاه «محمد صالح‌علا» منتشر می‌شود. «اجازه می‌فرمایید گاهی خواب‌تان را ببینم؟» عنوان مجموعه داستان‌های کوتاهی است که صالح‌علا آنها را در سال‌های ۹۱ و ۹۲ نوشته و انتشارات پیوند آن را منتشر می‌کند. «بن‌بست آیینه»، «جلال‌آباد»، «بشت پلک تر پاییز» و «به حمله‌رفتن زن بیوه» از جمله داستان‌های کوتاهی هستند که در این مجموعه به‌زودی منتشر خواهند شد. پیش از این موسسه همشهری، «جلال‌آباد» را با صدای صالح علا منتشر کرده بود.



از هر نظری ضرر

«ایل» به «لا‌هه» شکایت کرد:

کشف «تبلت» توسط رییس مرکز آمار ایران



پوریاء عالمی

● رییس مرکز آمار ایران گفت: «در سال ۹۵ سرشماری نفوس و مسکن با تبلت انجام خواهد شد»

(خبرگزاری ایسنا)

وی با شغف افزود: تا سال ۹۵ برنامه‌ریزی پیچیده‌ای کردیم. مثلاً اسامی قرار است با موبس سرشماری کنیم. در فاز بعدی از کیبورد استفاده خواهیم کرد.

وی با ندامت اضافه کرد: ما منتظر بودیم جای کامپیوتر که نیاز به میز کامپیوتر و سهرای دارد تبلت اختراع شود. چون بردن کامپیوتر دم خانه‌ها خیلی سخت بود.

رییس مرکز آمار ایران گفته: تبلت یک چیز کوچک است که توی کیف جا می‌شود و من دیروز که بچهم داشت «انگری‌برد» بازی می‌کرد با این معجزه آشنا شدم. خیلی باحال است.

وی در پاسخ به این سوال که چرا تا سال ۹۵ از تبلت استفاده نمی‌کنید، پاسخ داد: چون پسرم گفت تا سال ۹۵ تبلتش را می‌خواهد.

شنیده شد کمپانی «ایل» به دادگاه «لا‌هه» شکایت کرد: «نمی‌شود که زحمتش را ما بکشیم دیگران حالش را ببرند.» ایل گفت: «ما شنیدیم «انسا» دانشمندان را می‌ربایند. به همین دلیل ما رسماً از رییس مرکز آمار ایران دعوت می‌کنیم خودش با پای خودش با کمپانی ما بپیوندد. حیف است چنین استعدادهایی در جهان هدر بشوند»

۹۵سال کشفیات

به همین مناسبت رییس بانک مرکزی گفت: «در سال ۹۵ سیستم بانکی کشور توسط آی‌بد انجام خواهد شد.» دیوان محاسبات نیز اعلام کرد: «در سال ۹۵ ماشین حساب استفاده خواهیم کرد.» همچنین مخبرات ودهه داد: «در سال ۹۵ دستگاه تلفن به‌جای تلگراف جایگزین خواهد شد.»

هیات‌دولت نیز ابراز امیدواری کرد: «تا سال ۹۵ جلسات هیات‌دولت را روی صندلی و دور یک میز برگزار کنند»

ایسنا

- متأسفانه خبرگزاری «ایسنا» تا این لحظه نگفته چرا «کشف تبلت توسط رییس مرکز آمار ایران» را در سرویس اقتصادی مخابره کرده است. چون این مساله اصولاً باید در سرویس طنز آن خبرگزاری منتشر می‌شد و این یعنی خوردن حق همکاران مستقر در آن سرویس.

البته قرار شده است ایسنا خبر را برای علاقه‌مندان بازتعریف کند.

- شنیده شد تیم استقلال و پرسپولیس از «ایسنا» دعوت کردند با این وضعیت دروازه‌بانی خبر که نمی‌گذارند چیزی از دشتشان در برود، بروند توی دروازه‌شان بایستند.

مخبرالدوله

«آلیس مونرو» در نوبل شرکت نمی‌کند

● **مهر:** «آلیس مونرو» نویسنده کانادایی و برنده اسامال جایزه ادبی نوبل، به دلیل بیماری قادر به حضور در استکهلم و مراسم اهدای جایزه ادبی نوبل نخواهد بود. سایت خبری تورنتو استار اعلام کرد، آلیس مونرو به دلیل ناتوانی جسمی در ماه دسامبر قادر به حضور در استکهلم و دریافت جایزه ادبی نوبل ۲۰۱۳ نخواهد بود. پیتز انگلوند، رییس آکادمی نوبل دیروز با اعلام این خبر گفت: حال خانم مونرو برای شرکت در این مراسم مناسب نیست. با این حال گفته شده که دختر این نویسنده برای دریافت جایزه نوبل راهی استکهلم خواهد شد. نویسنده ۸۲ساله، زاده اونتاریو و خالق مجموعه داستان‌های کوتاه متعدد، سال ۲۰۰۹ اعلام کرده بود که به بیماری سرطان مبتلاست. او اسامال نیز از نویسندگی اعلام بازنشستگی کرد. مراسم اهدای جایزه ادبی نوبل به ارزش یکمیلیون و ۲۰۰هزار دلار در تاریخ ۱۰ دسامبر (۱۹ آذر) در استکهلم برگزار خواهد شد.

رویداد

«چراغ آخر» اکبر زنجانیور امشب در رادیو

● **ایسنا:** اول آبان‌ماه، شنونده نمایش رادیویی «چراغ آخر» به تهیه‌کنندگی ماهداد توکلی و کارگردانی اکبر زنجانیور از رادیو نمایش باشید. این نمایش به نویسندگی زهرا رفیعی گیلوایی، روایت طنز آمیزی از یک گروه تئاتری است که پیش از انقلاب بارهاوباره بی‌دلیل مورد بازجویی قرار می‌گیرند.«چراغ آخر» با هنرمندی فریدون محرابی، محمد آقامحمدی، مهرداد شفیقان، صمد پل‌سنگی، مسعود نورزی‌راد، فریبا متخصص و... امشب ساعت ۲۳:۳۰ از رادیو نمایش پخش می‌شود.

تولد ی دیگر

ستاره تاریخ فوتبال برزیل «پله»؛ ۷۳ساله شد

الماس‌ها ابدی‌اند



امیر حاج رضایی

اجتماعی، او یک راست تمام‌عبار بود که از این نگاه درست در مقابل ستاره آرژانتینی‌ها «دیه‌گو مارادونا» قرار دارد؛ مارادونایی که همیشه معترض بوده و یک چپ رادیکال است و هرگز با مسندنشینان و قدرت‌های فوتبالی سر سازگاری نداشته. تقابل لفظی طولانی این دو، سوزه همیشه جالبی برای ژورنالیست‌هاست. تا جایی که «پله» از حسادت «مارادونا» به جایگاه خود حرف می‌زند و «مارادونا»، «پله» را به رفتن به موزه دعوت می‌کند. «پله» در عرصه سیاست، به وزارت ورزش برزیل رسید اما در انتخابات ریاست‌جمهوری شکست خورد و مجدداً به تجارت و ورزش برگشت. مقایسه «پله» و «مارادونا» همواره وجود داشته و هر دو طرفداران فراوانی دارند.

«دیه‌گو» موضع روشن و در عین حال تندى در قبال سیاست دارد اما «پله» را می‌توان یک محافظه‌کار دانست. آنچه در سال‌روز تولد «پله» اهمیت دارد، تأثیرگذاری او در جهان فوتبال است. بنای تکنیکی او و حرکات حیرت‌انگیزش با توپ را نسل‌های گذشته هرگز فراموش نخواهند کرد و آوازه او از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. فراموش نکنیم که او اولین جام‌جهانی را در ۱۷سالگی به دست آورد و حالا جام‌جهانی در کشوری برگزار می‌شود که زادگاه «پله» است. کشوری که بر اساس آمار منتشره سالانه ۹۲هزار بازیکن به سراسر جهان صادر می‌کند. نام برزیل و «پله» حتی برای بازیکنان بسیار معمولی آن کشور، یک ضمانت‌نامه برای استخدام است. برای عنوان این یادواره، تیتسری بهتر از نام یکی از فیلم‌های «جیمز باند» یاقتم، به‌راستی «پله، الماسی ابدی‌است.

جام‌جهانی سوئد، در میان جمع پرشمار ستارگان برزیل، جوانی کم نام و نشان با نام طولانی «ادسون آرانس دو ناسیمنتو» ملقب به «پله» دنیای فوتبال را تحت‌الشعاع خود قرار داد. این آغاز راه پرافتخاری بود که او طی سالیان دراز حضورش در زمین‌های فوتبال طی کرد. جوان فقیر متولد حومه «ریودوژانیرو» به‌سرعت پله‌های ترقی را پیمود و به یک افسانه تبدیل شد. سرزمین قهوه و فوتبال، چهره‌های ماندگاری را به جهان معرفی کرده اما بی‌تردید این «پله» است که نماد برزیل بوده و در نمایش فراتر از چهره‌های نامدار این کشور، همچون «پلؤلو کوپیلو» نویسنده پرآوازه برزیلی قرار دارد. او برنده سه جام‌جهانی و زننده و دارنده رکورد ۱۰۰۰ گل است. بعد از جام‌جهانی ۱۹۷۰ مرکزیک و کسب سومین جام‌جهانی و تصاحب ابدی «جام ژول ریمه» برای همیشه از بازی‌های ملی خداحافظی کرد. او در عصری به عضویت تیم ملی کشورش درآمد که فوق ستاره‌هایی مثل «گاریشاه»، «دی‌دی»، «اواو» و «نیلتون سانتوز» در این تیم بازی می‌کردند و او در حضور همین پایه‌توب‌های مشهور، نگین این انگشتی زیبا که نامش «برزیل» بود، شد. این‌روزها ۷۳ساله است، یک مدیر موفق در امور تجاری، یک نام معتبر در حوزه فوتبال که شمع هر انجمن فوتبالی و یار همیشگی فیفاست، اما در حوزه سیاسی و تحولات